

بررسی روشمند و علمی وجوه اشتراک و افتراق سبک‌بیانی قرآن کریم باسنخاں پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام)

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۰۵ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۰۷)

محمدرضا حسینی نیا^۱
فرزاد اسفندیاری^۲
ثریا خیری^۳

سال سوم
شماره اول
پیاپی: ۵
پاییز و زمستان
۱۳۹۸

چکیده:

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اعجاز قرآن، سبک بیانی قرآن است که اخیراً بیشتر مورد توجه دانشمندان قرار گرفته است. سبک بیانی بیشتر به جنبه‌های لفظی و عبارات به کار رفته و ظرافت‌ها و نکته‌های بلاغی نظر دارد و این نکته‌ها و ظرافت‌ها در معنا و محتوا نقش اصلی را ایفا می‌کنند. انتخاب کلمات و واژه‌های به کار رفته در جملات و عبارات‌های قرآنی کاملاً حساب‌شده است. اسلوب و شیوه بیان قرآنی در عین حال که موجب جذب و کشش عرب گردید با هیچ یک از اسلوب و شیوه‌های متداول عرب شباهت و قرابتی ندارد. قرآن سبکی نو و روشی تازه در بیان ارائه داشت که بی‌سابقه بود؛ بنابراین در پژوهش حاضر به صورت روشمند و علمی سبک بیانی آیات قرآن کریم مورد بحث و بررسی قرار داده شد و سپس به سبک بیان اولین مفسران قرآن یعنی سخنان و کلام گهربار معصومین (علیهم‌السلام) پرداخته شد و در نهایت وجوه اشتراک و افتراق سبک بیانی قرآن و کلام معصومین (علیهم‌السلام) مورد مذاقه قرار گرفت. در پژوهش حاضر جهت گردآوری مطالب و داده‌ها و دستیابی به نتیجه از روش کتابخانه‌ای - توصیفی و نهایتاً روش تحلیلی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: سبک بیان، بیان، قرآن، احادیث، بلاغت.

۱. مقدمه

توجه به زیبایی‌های قرآن از آغاز ظهور اسلام، برای شناخت بهتر آیات و آگاهی از

(۱) استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه ایلام ایمیل: mohhos313@yahoo.com

(۲) استادیار گروه الهیات علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام‌نور ایلام، ایمیل: f.esfandyari@ilam.ac.ir

(۳) دانشجوی کارشناسی ارشد رشته رشته علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسئول) ایمیل: sorayahp1214@gmail.com

جنبه‌های محتوایی آن همواره مورد توجه بوده است. دانشمندان علوم بلاغی سال‌ها فصاحت و بلاغت قرآن را از جنبه‌های مختلف مورد تجزیه و تحلیل و واکاوی قرار داده‌اند و هر بار عنصر بلاغی و ... جدید کشف کرده‌اند.

برخی از اندیشمندان و متخصصان مربوطه سبک بیانی قرآن و نهایتاً اعجاز بیانی آن را در بخش‌های زیر خلاصه نموده‌اند: گزینش کلمات، سبک و شیوه بیان، نظم آهنگ قرآن، وحدت موضوعی یا تناسب معنوی آیات. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۲) اما در کلام و فرمایشات گهربار پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) به عنوان مفسران قرآن، گزینش الفاظ فصیح، ترکیب مناسب و آرایش‌های لفظی و معنوی به وضوح دیده می‌شود. (سالم و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۷)

بنابراین با توجه به مقدمه مذکور، پژوهش حاضر در پی آن است که در آغاز به این سوال پاسخ داده شود که آیا در سبک بیانی قرآن و کلام ائمه اطهار (ع) اشتراک و افتراقی وجود دارد؟ که البته با توجه به بررسی سبک بیانی آیات قرآن و کلام ائمه (ع) به نظر می‌رسد که از حیث گزینش کلمات، سبک و شیوه بیان و نظم آهنگ اشتراکاتی در سبک بیانی آیات قرآن و احادیث وجود دارد و در زمینه وجود افتراق در زمینه موضوع مذکور هم می‌توان گفت که به عنوان نمونه در دو حوزه و حیطة ۱. اعجاز و تحدی پذیری سبک بیانی و الفاظ قرآن و عدم اعجاز الفاظ و سبک بیانی احادیث منقول و ۲. خطابه‌ای بودن سبک بیانی قرآن و محاوره‌ای بودن سبک بیانی احادیث منقول از ائمه (ع) تمایز و افتراقی وجود دارد.

قبل از پرداختن به اصل مطلب یعنی تبیین وجوه افتراق و اشتراک سبک بیانی قرآن کریم با سخنان پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) لازم به ذکر است که قرآن کریم به عنوان معجزه حضرت محمد (ص) مفسر همیشگی لازم دارد؛ این مفسر در عصر نبی اکرم (ص) آن حضرت است و در عصر معصومین (ع) این انوار تابناک الهی هستند و شاید این موضوع یکی از رازهای جدائی ناپذیر بودن قرآن و عترت تا قیامت است. این حقیقتی است که در روایات فراوان آمده است: در روایتی از مولی علی (ع) رسیده است که: «فَمَا نَزَلَتْ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ ص آيَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا أَقْرَأْتِيهَا وَ أَمْلَأَهَا عَلَيَّ فَكَتَبْتُهَا بِخَطِّي وَ عَلَّمَنِي تَأْوِيلَهَا وَ تَفْسِيرَهَا وَ نَاسِخَهَا وَ مَنْسُوخَهَا وَ مُحْكَمَهَا وَ مُتَشَابِهَهَا وَ خَاصَّهَا وَ عَامَّهَا» (کلینی، ۱۳۶۶: ۱، ۶۴) آیه‌ای بر پیامبر (ص) نازل نشد مگر آنکه حضرت آن را بر من خواند و املاء فرمود و من با خط خودم آن را نوشتم و معنای واقعی (و مصداق آیه) و تفسیر آن را بیان فرمود. نیز ناسخ آن و منسوخ آن و محکم و متشابه و خاص و عام آن را برایم بیان کرد.

و یا اینکه در روایتی از امام باقر (ع) آمده است که، حضرت به عمرو بن عبید از سران معتزله فرمود: «فَإِنَّمَا عَلَى النَّاسِ أَنْ يَقْرَءُوا الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ فَإِذَا احتاجوا إلی تفسیره فَلَا هتداء بنا وَ إلینا یا عمرو» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۸۹، ۱۱۱) باید مردم قرآن را بخوانند آنچنان که نازل شده آنگاه که نیاز به تفسیر داشتند باید از ما نور بگیرند و به سوی ما بیایند.

از روایت مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت با توجه به اینکه ائمه (ع) خود را در روایات متعددی به عنوان مفسران قرآن معرفی نموده‌اند و یا اینکه در احادیث منقول از پیامبر (ص) از جمله حدیث مشهور ثقلین به این مطلب اشاره شده است. بنابراین سبک بیانی معصومین (ع) به عنوان مفسران و شارحان قرآن مؤثر از سبک قرآن است. افتراق و تمایز فاحش و چشمگیری با سبک بیانی قرآن ندارند و از این حیث به سبک بیانی قرآن قرابت و شباهت دارد تا افتراق و تفاوت. تا کلام معصومین (ع) بتواند تفسیری گویا از آیات قرآن کریم ارائه دهد و آن تفسیر و سخنان برای مردم در تمامی اعصار و دوره‌ها قابل فهم و درک باشد. چرا که اگر این سبک بیانی کلام پیامبر (ص) و ائمه (ع) با سبک قرآن تفاوت داشته باشد در چنین صورتی نمی‌توانند تفسیر و شرحی بدون نقص از آیات و لغات و عبارات قرآنی ارائه دهند. بنابراین در پژوهش حاضر سعی بر آن است که علاوه بر تبیین وجوه اشتراک، وجوه افتراق هم به صورت کلی بررسی شود.

در ارتباط با موضوع تحقیق حاضر تألیفات مشابهی انجام شده است که به برخی از آن‌ها در ادامه اشاره خواهد شد:

مقاله «بررسی زیباشناسی جزء ۳۰ قرآن کریم» تالیف حسین گلی در سال ۱۳۹۵ از جمله تألیفاتی است که به بررسی سبک بیانی و زیباشناسی بیانی قرآن (مطالعه و بررسی جزء ۳۰) پرداخته است. در پژوهش مذکور نویسنده سعی دارد با انتخاب آیاتی از جزء ۳۰ در بافت و ساخت بیانی آن غور و مذاقه نموده و سپس از حیث ابعاد آوایی، موضوعی، محتوایی و موسیقایی و ... آیات مذکور را مورد بحث و بررسی قرار دهد.

در تألیفی (کتاب) دیگر در سال ۱۳۹۴ با عنوان «بلاغت جدید با رویکردی قرآنی و روایی»، حسین بستانی سعی دارد که که نمونه‌هایی از آیات و روایات را از حیث عنصر معنایی، عنصر موسیقایی، عنصر صوری (تشبیه و...) و... مورد بحث و بررسی قرار دهد.

در پژوهش دیگر با عنوان «عوامل پدید آورنده ضرب آهنگ در قرآن» تألیف حسن خرقانی در سال ۱۳۹۶ نویسنده به بررسی مواردی از قبیل توزان، تناسب و تکرار و... در سبک بیانی آیات قرآن پرداخته است.

و از دیگر تألیفات در این زمینه می‌توان به مقاله «زیباشناسی گونه‌های جناس در نهج البلاغه» تألیف شیرین سالم و همکاران در سال ۱۳۹۱ اشاره نمود که در این پژوهش هم نویسنده به بررسی سبک بیانی نهج البلاغه از حیث گونه‌هایی همچون جناس و ... پرداخته است.

۲. مفهوم شناسی

۲.۱. سبک بیانی

سبک در زبان عربی به معنای «گداختن و ریختن زر و نقره» است و واژه «سبیکه» پاره گداخته

زر و نقره را گویند. (طریحی، ۱۴۰۳: ۵، ۲۷۱) ولی ادبای اخیر سبک را، روی مجاز، به معنای طرز خاصی از نظم و نثر به کار برده‌اند و آن را برابر واژه Style اروپاییان می‌دانند. (بستانی، ۱۳۹۴، ۲۳)

سبک و سبک بیان، در اصطلاح ادبی، روش و شیوه خاص بیان افکار از طریق ترکیب کلمات، انتخاب الفاظ و طرز تعبیر است و شیوه خاصی است که هر نویسنده یا شاعر در اثر خود دنبال می‌کند. سبک هر فرد، حال فکر، اندیشه، اعتقاد باور و احساس او نسبت به جهان درون و بیرون است. (همان: ۵۶)

بنابراین می‌توان در تعریف و تبیین معنا و مفهوم سبک بیان چنین عنوان کرد که؛ سبک بیانی در واقع همان روشی است که برای بیان عبارات و جملات افکار و ... از آن استفاده می‌شود و در این بیان طریق و شیوه ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و شیوه تعبیر مهم است.

۳. اشتراکات سبک بیانی قرآن کریم و سخنان پیامبر و اهل بیت (ع)

به عنوان مقدمه لازم به ذکر است که در این بخش از پژوهش حاضر سبک بیانی قرآن را از حیث مواردی از قبیل: گزینش کلمات، سبک و شیوه بیان، نظم آهنگ قرآن مورد مذاقه قرار خواهد گرفت و سپس همین موارد در سخنان پیامبر (ص) و ائمه معصوم (ع) مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت و در نهایت وجوه اشتراک بیان قرآن و معصومین تبیین شده و در صورت وجود افتراق این وجوه بازگو خواهند شد.

۳.۱. گزینش کلمات

یکی از موارد و وجوهی که در سبک بیانی قرآن مورد توجه و تمرکز است گزینش کلمات در عبارات و جملات و آیات قرآن کریم است. در تشریح مبسوط‌تر این مورد لازم به ذکر است که؛

انتخاب کلمات و واژه‌های به کار رفته در جملات و عبارت‌های قرآنی کاملاً حساب شده است. به گونه‌ای که اگر کلمه‌ای را از جای خود برداشته، و بخواهند کلمه دیگری را جایگزین آن کنند که تمامی ویژگی‌های موضع کلمه اصل را ایفا کند، یافت نخواهد شد، زیرا گزینش واژه‌های قرآنی به گونه‌ای انجام شده است که:

تناسب آوای حروف کلمات هم ردیف آن رعایت گردیده، آخرین حرف از هر کلمه پیشین با اولین حرف از کلمه پسین هم‌آوا و هم‌آهنگ شده است، تا بدین سبب تلاوت قرآن روان و آسان صورت گیرد.

تناسب معنوی کلمات با یکدیگر رعایت شده تا از لحاظ مفهومی نیز بافت منسجمی به وجود آید. در مجموع هر یک از واژه‌ها در جایگاه مخصوص خود به گونه‌ای قرار گرفته است که قابل تغییر و تبدیل نخواهد بود. (بنت الشاطی، ۱۳۷۶: ۲۰)

همانطور که آیت‌الله خوبی نمونه‌ای را در کتاب البیان بیان کرده است: افرادی سعی

کردند که با گزینش کلماتی شبیه و قریب به کلمات و لغات عبارات قرآنی، به معارضه با قرآن پردازند به عنوان مثال به جای کلمات «رب العالمین» در آیات سوره مبارکه حمد «رب الاکوان» را به کار برده‌اند.

آیت‌الله خویی در رد این مورد چنین تشریح می‌کند که کون در لغت به معنای حدوث و وقوع و بودن و شدن و کفالت است و اضافه کلمه «رب» که به معنای مالک و مربی است به «اکوان» که تمامی معانی آن مصدری است صحیح نیست و کلمه «اکوان» تعدد عالم در واژه «العالمین» را نمی‌رساند. (خویی، ۱۳۸۳: ۱۴۲)

بنابراین یکی از مواردی که در سبک بیانی قرآن قابل توجه و تمرکز است گزینش کلمات و لغات است که از حیث معنایی، زیبایی ظاهری (تشکیل جناس و آوا و...) و... بهترین گزینشی است که می‌توانست از طرف خالق و پروردگار انتخاب شود و به کار برده شود و حتی اندیشمندان حوزه بلاغت و فصاحت هم با علم محدود خود به آن اذعان داشته‌اند. اما این گزینش ماهرانه کلمات هم به عینه در روایت منقول از پیامبر (ص) و ائمه اطهار(ع) قابل رویت و مشاهده است.

به عنوان مثال در سخنان گرانسنگ حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه چنین عنوان شده است که «و ایم الله لتحتلبنها دما و لتتبعنها ندما» به خدا سوگند آنچه زین پس می‌دوشید خون خواهد بود و نصیبی جز پشیمانی نخواهید برد. (نهج‌البلاغه، خطبه ۵۵)

در این خطبه امام از جنگ صفین و مبارزات در آن سخن می‌گوید. لذا سخن را در خطاب به دشمنان مسلمانان ایراد کرده است که خواری و ذلت بر آنان چیره شده بود. با آمدن دو کلمه متجانس «دما و ندما» نوعی هراس و رعب ایجاد شده و ترسیم‌کننده فضای جنگی و ترس است زیرا نون که از صامت‌ها و حروف غنه‌ای است در ایجاد این نوع موسیقی در سبک بیان بسیار تأثیرگذار است. (فتاحی زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۶)

بنابراین همانطور که تبیین شد یکی از وجوه اشتراک سبک بیانی قرآن کریم با سخنان و کلام گهربار و احادیث منقول از معصومین (ع) گزینش و انتخاب واژه‌ها و لغات و کلمات مناسب در جای شایسته و درخور خود است که از حیث معنا و زیبایی آهنگی و... گویا ارائه دهنده تمامی نکات فصاحت و بلاغت است.

۲.۳. سبک و شیوه بیان

اسلوب و شیوه بیان قرآنی در عین حال که موجب جذب و کشش عرب گردید با هیچ یک از اسلوب و شیوه‌های متداول که بین آن‌ها رایج بود شباهتی نداشت قرآن سبکی نو و روشی تازه در بیان ارائه داد که برای عرب بی سابقه بود و بعداً هم نتوانستند در چنین سبکی سخنی بیاروند که با قرآن برابری کند؛ شیوه‌های سه گانه متعارف (شعر و نثر و سجع) هر یک محاسنی دارند و

معایی. بیان رسا و دل‌پذیر قرآن گرچه شعر نیست ولی ویژگی شعر را دارد، حتی بر شیواترین آهنگ‌های وزین عرب تنظیم گردیده؛ بدون اینکه که در تنگناهای شعری قرار بگیرد. متانت نثر و استواری کلام آزاد را نیز دارا است و در چینش و گزینش کلمات و واژه‌ها هرگز به دشواری و مشکل بر نخورده است. هم چنین از زیبایی‌های سجع و کلام موزون - اما بدون تکلف - به خوبی بهره‌مند است. بدین ترتیب قرآن دارای محاسن انواع کلام (شعر، نثر، سجع) و در عین حال فاقد تمامی معایب آن‌ها است. همین امر مایه حیرت سخن‌وران عرب گردید و خودشان را در مقابل سخنی یافتند که شگفت‌آفرین بود و در عین غرابت و تازگی، جذابیت و ظرافت خاصی داشت که در هیچ یک از انواع کلام متعارف آن زمان یافت نمی‌شد. (رافعی، ۱۳۸۷: ۲۵)

امام کاشف الغطاء در این باره می‌گوید: «چنان است صورت نظم عجیب و اسلوب غریب (شیوه و سبک تازه) قرآن، که بر خلاف سبک و شیوه‌های کلام عرب و روش نظم و نثر آنان بود. نه پیش از آن و نه پس از آن نظیری ندارد و کسی را یارای هم آوردی با آن نباشد.» (کاشف الغطاء، ۱۳۹۵: ۲، ۱۰۷)

بنابراین یکی دیگر از وجوه سبک بیانی قرآن که نشانگر اعجاز قرآن است سبک و شیوه بیان است که نه شعر است و نه نثر و... بلکه سبک و شیوه‌ای خاص و منحصر به فرد است که در هیچ یک از متون بلاغی یافت نمی‌شود.

سبک به وجود آمده از انتخاب واژه‌ها و نحوه ترتیبشان در همه جای قرآن ملحوظ است و هماهنگی حروف هر کلمه نسبت به حروف دیگر، چنان است که تمامی جذبه‌های شعری و نثری را در خود جمع کرده است و این همان حقیقتی است که عرب عصر نزول را محسور کرد چه آنان که خداوند متعال سینه‌هایشان را برای پذیرش اسلام گشاده بود و چه آنان که خداوند پرده‌هایی بر چشم‌هایشان افکنده بود از موسیقی قرآن به ایقاع هم تعبیر شده است. پژوهشگران قدیم ایقاع را هم ردیف وزن و ساختار عروضی می‌دانستند چرا که ایقاع شامل وزن هم می‌شود و وزن تنها یکی از مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن است. (گرجامی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۱)

به عنوان مثال در آیات ابتدایی سوره همزه چنین نازل شده است: ﴿وَوَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ، الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ، يُحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ﴾ (همزه/۳-۱)

همانطور که ملاحظه می‌شود از الفاظ «لمزه و عدده و اخلده» آهنگ و موسیقی به وجود آمده است که نه نثر است و شعر و سبک بیانی خاصی دارد که مختص آیات و بیان قرآن است.

و یا اینکه در آیات سوره تین ﴿وَالَّتَيْنِ وَ الزَّيْتُونِ وَ طُورِ سِينِينَ﴾ (تین/۲-۱)؛ «سوگند به تین و زیتون؛ و طور سینا» همانطور که مشاهده می‌شود در این آیات حرف نون که آخرین حرف واژه‌های «التین» و «الزیتون» و «سینین» است پدید آورنده آوا است که این آوا، سبک بیانی خاص به قرآن داده است.

اما سبک و شیوه بیان پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) هم به تأسی از سبک و شیوه بیان قرآن،

سبکی متفاوت با روش و سبک و سیاق بیان دیگر افراد بوده و این مطلب و مورد هم در احادیث و کلام معصومین (ع) قابل درک است. به عنوان مثال در کلام پیامبر چنین عنوان شده است که «الْعِلْمُ مِصْبَاحُ الْعَقْلِ وَ يَبُوعُ الْفَضْلُ» (حرعاملی، ۱۴۱۶: ۵، ۱۲۵) که در این روایت حرف «لام» که آخرین حرف واژه‌های «العقل» و «الفضل» است پدید آورنده آوا و سبک بیان خاصی است. و یا در آیات ﴿وَالْتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ وَ طُورِ سِينِينَ﴾ حرف نون که آخرین حرف واژه‌های «الزیتون، التین و سینین» است پدید آورنده آوا هستند. (بستانی، ۱۳۹۴: ۱۸۷)

و یا اینکه در نمونه‌هایی دیگر از آیات قرآن و احادیث منقول هم این مورد به وضوح قابل لمس و مشاهده است. به عنوان مثال در قرآن کریم می‌توان به آیه ۲۶۱ سوره بقره اشاره نمود: ﴿حَبَّةٌ اُنْتَبَتْ سَعْعٌ سَنَابِلٍ﴾ (بقره/۲۶۱) همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند.

در اینجا حرف «باء» در «حبه و اُنبت» و نیز حرف «تاء و تنوین» به نحوی تکراری آمده‌اند اما باید توجه داشت آهنگ زیبا و گوش نوازی که از این فرایند پدید می‌آید ناشی از هم‌آوایی و تجانس حروف آنهاست و سبک بیان خاصی به این آیات بخشیده است نه اینکه از جهت تکرار منظم آن آواها در آغاز، میانه و یا پایان آن‌ها باشد. (بستانی، ۱۳۹۴: ۱۹۶)

نمونه این سبک بیانی در این روایت وجود دارد که می‌فرماید: «مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ السُّوَاكُ» (حرعاملی، ۱۴۱۶: ۲، ۶) در اینجا حرف «سین» در «سنن و مرسلین و سواک» به نحوی تکراری آمده‌اند و همین موجب آهنگین شدن و موجود موسیقی متن روایت شده است. (بستانی، ۱۳۹۴: ۱۲۹)

۳.۳. نظم آهنگ قرآن

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اعجاز بیانی - که اخیراً بیشتر مورد توجه دانشمندان قرار گرفته - نظم آهنگ واژگانی قرآن است این جنبه، چنان زیبا و شکوهمند است که عرب را ناچار ساخت، از همان روز نخست اقرار کنند که کلام قرآن از توانایی بشر خارج است و تنها می‌تواند سخن خداوند باشد.

نظم آهنگ واژگان قرآن، نغمه‌ای دل‌کش و نوایی دلپذیر دارد، نوایی که دل‌ها را شیفته خودش می‌کند نوای زیبای قرآن برای هر شنونده‌ای، هرچند غیر عرب محسوس است در هنگام تلاوت قرآن، آهنگ درونی آن کاملاً حس می‌شود این آهنگ در سوره‌های کوتاه، با فاصله‌های نزدیکش بیشتر نمایان است و در سوره‌های بلند کمتر؛ اما همواره نظم آهنگ آن محفوظ است برای مثال در سوره نجم آمده است: ﴿النَّجْمِ إِذَا هَوَى، مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى، ... لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى، أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّى، وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَى، أَلَكُمُ الذَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَى، تِلْكَ إِذَا قَسَمَهُ ضَيْزَى﴾

این فاصله‌ها تقریباً وزنی مساوی دارند؛ نظم آهنگ در اینجا به پیروی از نظام موسیقایی جمله نه کوتاه است و نه بلند و طولی میانه دارد و فضایی داستان‌گونه یافته است. تمام این

ویژگی‌ها لمس شدنی است و در برخی فاصله‌ها بسیار نمایان‌تر است. مانند: «افرایتم اللات و العزی و مناه الثالثه الاخری» پس اگر بگویید: «افرایتم اللات و العزی و مناه الثالثه» قافیه از دست می‌رود و به آهنگ لطمه می‌خورد. و اگر بگویید: «افرایتم اللات و العزی و مناه الاخری» وزن مختل می‌شود. (صغیر، ۱۴۲۰: ۸۶)

هم چنین در «أَلَكُمُ الذَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَى، تَلَكَّ إِذَا قَسَمَ ضِيْرَى» اگر «اذن» حذف شود «أَلَكُمُ الذَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَى، تَلَكَّ قَسَمَ ضِيْرَى» آهنگ کلام که با کلمه «اذن» قوام یافته مختل می‌گردد. (سیدی، ۱۳۹۰: ۵۰)

بنابراین دقت در به کار بردن نکات بدیعی و ظرافت‌های سخنوری است که نظم خاصی به آهنگ قرآن می‌بخشد و در قرآن انواع استعاره‌ها و تشبیه و کنایه و مجاز و نکته‌های بدیعی به حد وفور به کار رفته است با وجود آن که در تمامی موارد چارچوب شیوه‌های متعارف عرب رعایت شده، ولی مورد کاربرد با چنان ظرافت و دقت انجام شده که موجب حیرت ارباب سخن و نکته سنجان عرب گردیده است سخن دانان پذیرفته‌اند که تشبیهات قرآنی متین‌ترین تشبیهاتی است که در کلام عرب یافت می‌شود، این تشبیهات جامع محاسن نکات بدیعی بوده و رساترین بیان در ارائه فن ترسیم معانی شناخته شده است. (فضیلت، ۱۳۸۷: ۱۰۱)

ادیب گرانقدر جهان عرب، ابن اثیر درباره تشبیه مفرد به مفرد سخن گفته و از قرآن آیه ﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا﴾ را مثال می‌آورد به گفته وی قرآن شب هنگام را به پوششی هم چون لباس که پوشش تن است تشبیه نموده، زیرا تاریکی شب افراد را از دید یک دیگر پنهان می‌دارد تا اگر از دشمنی بخواهد بگریزد، یا در کمین او بنشیند، یا چیزی را از دید دیگران پنهان دارد، از تاریکی فراگیر شب بهترین بهره را ببرد. ابن اثیر گوید: «این از تشبیهاتی است که جز در قرآن، در جای دیگر نتوان یافت، زیرا تشبیه تاریکی فراگیر شب به پوشش تن، از جمله ظرافت‌هایی است که قرآن به آن آراسته است و در دیگر کلام منثور و منظوم عرب یافت نمی‌شود هم چنین آیه: ﴿هَنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ﴾ که همسران را هم چون پوششی برای یک دیگر ترسیم نموده است این از ظریف‌ترین تشبیهات به شمار می‌رود، همان‌گونه که لباس زینتی برای انسان است و عورت و نادیدنی‌های اندام او را می‌پوشاند و از گزند سرما و گرما او را نگاه می‌دارد، همین‌گونه همسر زینت بخش حیات و پوشش زشتی‌ها است و از لغزش‌ها و فروافتادن در چرکی‌ها او را نگاه می‌دارد، پس چه زیبا تشبیه و شیوا تعبیری است. (ابن اثیر، بی تا: ۲، ۱۵۶)

و یا اینکه هم نظام آهنگ خاص قرآن را می‌توان در عبارتی مانند: ﴿وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ﴾ (الرحمن ۶۷) و بوته و درخت چهره‌سایانند. سجده می‌کنند و چهره بر خاک می‌سایند) مشاهده نمود که که با تکرار حرف جیم آهنگ خاصی در این آیه ایجاد شده است.

از روایت منقول هم به عنوان نمونه برای ایجاد نظم آهنگ می‌توان به این روایت منقول

از رَسُولُ اللَّهِ (ص) اشاره نمود که می فرمایند: «مَنْ ابْتُلِيَ بِالْقَضَاءِ فَلَا يَقْضِيَنَّ وَهُوَ غَضْبَانٌ» (صدوق، ۱۴۰۵: ۳، ۱۲)

اما در ادامه جهت تبیین اشتراک سبک بیان احادیث منقول از معصومین (ع) با سبک بیان قرآن لازم است که نمونه‌هایی از احادیث منقول که نشانگر نظم‌آهنگ است ذکر شود؛ در رابطه با نظم‌آهنگ در روایت منقول از معصومین (ع) می‌توان به این نمونه و روایت منقول از پیامبر اکرم (ص) اشاره نمود که می فرمایند: «أفضل الناس إيماناً أحسنهم خلقاً» (طبرسی، ۱۳۸۵: ۲۲۴) که در این روایت آخر «ایماناً و خلقاً» به حروف مدی (الف مدی) ختم شده است و این خود پدید آورنده نظم‌آهنگی خاص شبیه به نظم‌آهنگ آیات قرآن است. (بستانی، ۱۳۹۴: ۱۳۲)

۴. وجوه افتراق و تمایز سبک بیانی آیات قرآن با کلام معصومین (ع)

۴. ۱. اعجاز و تحدی پذیری سبک بیانی و الفاظ قرآن و عدم اعجاز الفاظ و سبک بیانی احادیث منقول

یکی از وجوه افتراق سبک بیانی قرآن با کلام معصومین (ع) این است که حتی سبک بیانی قرآن که مشتمل بر گزینش کلمات و... می‌شود معجزه است و در این مورد هم قرآن تحدی و اعجاز دارد در صورتی که در ارتباط با کلام معصومین (ع) چنین موضوعی مطرح نشده است.

در این زمینه برای تشریح مبسوط‌تر، تمایزات حدیث قدسی به عنوان کلام و بیان پیامبر (ص) با آیات قرآن تبیین خواهد شد با این توضیح که؛ حدیث قدسی عبارت است از کلامی که پیامبر اکرم (ص) از خداوند متعال حکایت کند (و معمولاً با کلماتی مانند «قال الله» یا «يقول الله» شروع می‌شود) و در الفاظ آن تحدی و اعجازی وجود ندارد، به خلاف قرآن که با الفاظ مخصوصی وحی شده و دیگران در آوردن مثل آن عاجزند. آیات قرآنی اعجاز دارد؛ اما احادیث قدسی که بیان و کلمات و سبک بیانی آن از پیامبر (ص) است، اعجاز ندارد. یعنی مخلوقات از آوردن مانند قرآن عاجزند؛ اما این مطلب در مورد احادیث قدسی وجود ندارد؛ به دیگر سخن آیات قرآن و احادیث قدسی از یک مبدأ سرچشمه می‌گیرد با این تفاوت که احادیث قدسی معجزه و سند رسالت محسوب نمی‌شود؛ اما آیات کریمه قرآن معجزه و سند رسالت است و پیامبر اکرم (ص) مأمور به تبلیغ آن‌ها بوده است. (خویی، ۱۳۸۳: ۱۵۶)

۴. ۲. خطابه‌ای بودن سبک بیانی قرآن

یکی دیگر از تمایزات و افتراقات سبک بیانی قرآن با کلام پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) تمایز سبک بیانی از این حیث است که سبک بیانی قرآن دارای ویژگی‌های خطابه است و سبک بیانی احادیث و روایات منقول از ائمه می‌توان گفت دارای سبکی بیانی شبیه به سبک محاوره‌ای است. در تشریح بیشتر این مورد لازم به ذکر است که؛

سبک قرآن از موضوعات بسیار حائز اهمیت در زبان قرآن است در این مورد سوالی رخ می‌نماید و آن این است که قرآن چه سبکی از بین سبک‌های گفتاری انتخاب کرده است؟ چون قرآن دارای ویژگی‌های خطابه است. (نکونام، ۱۳۹۷: ۲۲) لذا سبک بیانی آن از نوع خطابه‌ای (یه معنای عرفی) آن است و نه محاوره‌ای معمولی. بین گفتار محاوره‌ای و گفتار خطابه‌ای تفاوت‌های بسیاری مشاهده می‌شود؛ برای نمونه این که وقتی گفتار محاوره‌ای تنها را برای آن در نظر بگیرند، یک دیالوگ و گفت‌وگوی دوستانه بین دو یا چند نفر هم، گفتاری محاوره‌ای محسوب می‌شود اما ساختار چنان کلامی به گونه‌ای است که فهم آن به شدت به قراین برون‌متنی آن و حال طرفین ایرادکننده کلام وابسته است؛ چرا که در یک گفتار محاوره‌ای معمولی موارد بسیاری از کلام حذف می‌شود، اما در سبک بیانی و گفتاری خطابه‌ای که در مورد قرآن وصف موعظه‌ای به این سبک افزوده شده است، کلام به سبک و زبان نوشتاری و رسمی بسیار نزدیک می‌شود. لذا تناسب درون‌متنی آن (که به نوعی فصاحت و بلاغت قرآن را تشکیل می‌دهد) نیز اهمیت بسیاری دارد. (قاین ابراهیم آبادی، ۱۳۹۴: ۹۷)

در صورتی که در کلام پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) در سبک بیانی این ائمه هدی قراین برون‌متنی و حال طرفین ایرادکننده کلام در دسترس مردم و مخاطبین خصوصاً مردم عصر صدور روایت بوده است و به تبع آن در بسیاری از موارد در منابع حدیثی در ذیل قراین حالی و مقالی روایات توضیح داده شده‌اند.

نتیجه‌گیری

از مطالب فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که خداوند برای تأثیر گذاری بیشتر آیات قرآن کریم و به تبع و پیروی از آیات، ائمه اطهار (ع) در روایات و کلام خود به عنوان مفسران و هم‌قرینان قرآن، عناصر موسیقایی و آهنگین بودن عبارات و جملات و آیات را به نحوی مافوق کارکرد بشری در این زمینه به کار برده‌اند، همانطور که در بررسی‌های مختلف و متفاوتی این مطلب به وضوح نشان داده شده است. در این پژوهش وجود و جوهی از سبک بیانی در آیات قرآن و روایات مورد مذاقه و تبیین و تشریح واقع شد و نشان داده شد که وجه‌گزینش و انتخاب ماهرانه و خردمندانه لغات و واژه‌های مناسب در جای خود به عنوان یکی از وجوه سبک بیانی در کلام قرآن است که به عنوان مثال در آیات سوره حمد از طریق تشریح نمونه معارض آن توسط معاندان اسلام نشان داده شد و همین وجه در روایات منقول از معصومین نیز ذکر شد و مورد بعدی سبک و شیوه خاص بیان قرآن بود که نه شیوه شعرگونه بود و نه شیوه‌ای نثر مانند، که اشتراک این مورد در آیات قرآن و نمونه‌ای از روایت منقول از پیامبر نشان داده شد و مورد آخر هم نظم‌آهنگ به وجود آمده در آیات قرآن بود که آیات ابتدای سوره نجم به عنوان مثال ذکر گردید و به تبع آن روایتی

منقول از پیامبر اکرم (ص) آورده شد تا اشتراک و قرب آیات و عبارات قرآن و کلام ائمه در این زمینه هم نشان داده شود. اما در ارتباط با وجوه افتراق سبک بیانی آیات قرآن و کلامه ائمه (ع) لازم به ذکر است که سبک بیانی قرآن اعجاز دارد در حالی که سبک بیانی ائمه و پیامبر در روایات و احادیث منقول، چنین نیست و در این باره ادعای تحدی و معجزه بودن وجود ندارد و مورد دیگر اینکه سبک بیانی قرآن خطابه‌ای است، در حالی که سبک بیانی روایات و احادیث به دلیل اینکه مخاطبان متوجه مفهوم باشند خصوصاً در مواردی که به تشریح آیات و مصادیق و مفاهیم قرآنی پرداخته می‌شود، تا حدودی می‌توان گفت سبک محاوره‌ای بوده است.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه مهدی فولادوندی.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
- ابن اثیر، ضیاء الدین، بی تا، المثل السائر فی ادب الکاتب، بیروت: نشر الکتبه العصریه.
- بستانی، محمود، ۱۳۹۴، بلاغت جدید با رویکرد قرآنی و روایی، قم، مارینا.
- بنت الشاطی، عایشه، ۱۳۷۶، اعجاز بیانی قرآن، ترجمه: حسین صابری، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۶، وسائل الشیعه، قم: انتشارات آل البیت.
- خوبی، ابوالقاسم، ۱۳۸۳، البیان، تهران: دارالتقلین.
- رافعی، محمدصادق، ۱۳۸۷، اعجاز القرآن و البلاغه النبویه، بیروت: دارالنهضة العربیه.
- سالم، شیرین و همکاران، ۱۳۹۱، زیبایی‌شناسی گونه‌های جناس در نهج البلاغه، پژوهشنامه علوی، شماره ۱.
- سیدی، سید حسن، ۱۳۹۰، زیباشناسی آیات قرآن، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- صغیر، محمدحسین علی، ۱۴۲۰، الصوت اللغوی فی القرآن، بیروت: دارالمورخ العربی.
- طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۸۵، مشکاه الانوار، قم: کتابخانه حیدریه.
- طریحی، فخرالدین، ۱۴۰۳، مجمع البحرین، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- فتاحی زاده، فتحیه و همکاران، ۱۳۹۲، بلاغت نهج البلاغه در شرح علامه جعفری، فصلنامه حدیث اندیشه، شماره ۲.
- فضیلت، محمود، ۱۳۸۷، زیباشناسی قرآن، تهران: نشر سمت.
- قاین ابراهیم آبادی، ملیحه و همکاران، ۱۳۹۴، تعامل سیاق متنی و حالی در دور هرمنوتیکی متناسب قرآن، فصلنامه مطالعات اسلامی، شماره ۹۱.
- کاشف الغطاء، محمدحسن، ۱۳۹۵، الدین و الاسلام، قم: نشر مجمع جهانی اهل بیت.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۶، الکافی، تهران: انتشارات کتابفروشی علمیه اسلامی.
- گرماجی، جواد و همکاران، ۱۳۹۶، بررسی مؤلفه‌هایی موسیقایی سوره الحاقه، فصلنامه پژوهش‌های ادبی - قرآنی، سال پنجم، شماره ۴.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴، بحار الانوار، قم: دارالکتب الاسلامی.
- نکونام، جعفر، ۱۳۷۹، زبان قرآن، پژوهش‌های فلسفی کلامی، شماره ۳.
- هاشمی، احمد، ۱۳۸۴، جواهر البلاغه، ترجمه: محمود خرسندی، قم: نشر حقوق اسلامی.

Bibliography

- The Holy Quran, translated by Mehdi Fooladvandi.
- Nahj al-Balaghah, translated by Muhammad Dashti.
- Ibn Athir, Zia-ud-Din, Bita, Al-Mathil Al-Sayer Fi Adab Al-Katib, Beirut: Al-Kumtabah Al-Asriya
- Boštani, Mahmoud, 2015, New Rhetoric with Quranic and Narrative Approach, Qom, Marina.
- Bint Al-Shati, Aisha, 1997, The Expressive Miracle of the Quran, translated by Hossein Saberi, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- Har'amli, Muhammad ibn Hassan, 1416, Shiite means, Qom: Al-Bayt Publications.
- Khoei, Abolghasem, 2004, Al-Bayan, Tehran: Dar al-Thaqalin.
- Rafi'i, Mohammad Sadegh, 2008, The Miracle of the Qur'an and the Prophetic Rhetoric, Beirut: Dar Al-Nahda Al-Arabiya.
- Salem, Shirin et al., 2012, Aesthetics of puns in Nahj al-Balaghah, Alavi Research Journal, No. 1.
- Sidi, Seyed Hassan, 2011, Aesthetics of Quranic verses, Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
- Saghir, Mohammad Hussein Ali, 1420, Linguistic sound in the Qur'an, Beirut: Dar Al-Mourikh Al-Arabi.
- Tabarsi, Ali Ibn Hassan, 2006, Meshkah Al-Anwar, Qom: Heydariyeh Library.
- Tarihi, Fakhreddin, 1403, Bahrain Assembly, Qom: Islamic Culture Publishing Office.
- Fattahizadeh, Fathieh et al., 2013, Rhetoric of Nahj al-Balaghah in the commentary of Allameh Jafari, Quarterly Journal of Hadith Andisheh, No. 2.
- Fazilat, Mahmoud, 2008, Aesthetics of the Quran, Tehran: Samat Publishing.
- Ghaen Ebrahimabadi, Maliheh et al., 2015, The interaction of textual context and present in the appropriate hermeneutic cycle of the Qur'an, Islamic Studies Quarterly, No. 91.
- Kashif al-Ghatta ' , Mohammad Hassan, 2016, Religion and Islam, Qom: Publication of the World Assembly of Ahl al-Bayt.
- Klini, Mohammad Ibn Yaqub, 1987, Al-Kafi, Tehran: Islamic Theological Bookstore Publications.
- Gorjani, Javad et al., 2017, A Study of the Musical Components of Surah Al-Haqqa, Quarterly Journal of Literary-Quranic Research, Fifth Year, No. 4
- Majlisi, Mohammad Baqir, 1404, Baharalanvar, Qom: Islamic Library.
- Nekounam, Jafar, 2000, The Language of the Qur'an, Philosophical Theological Studies, No. 3.
- Hashemi, Ahmad, 2005, Jawahar al-Balaghah, translated by Mahmoud Khorsandi, Qom: Islamic Law Publishing.